

The Role of Culture of Islamic Sects in the Social Cohesion of Historical Neighborhoods- Case Study: Sartpuleh Neighborhood of Sanandaj

Kasra Ketabollahi 

Ph.D. Candidate in Islamic Urban Planning,
Tabriz Islamic Art University, East
Azerbaijan Province, Iran

Ahad Nejad Ebrahimi 

Professor of Architecture, Tabriz Islamic Art
University, East Azerbaijan Province, Iran

Abstract

Islamic culture is one of the fundamental human issues that the comprehensiveness of the Holy Quran and authentic narrations are expected to have a proper answer to it. The primary purpose of this study is to identify the aspects of the effects of Islamic culture on the social relations of the residents of the Sartapuleh neighborhood and to investigate the effect of physical elements with different functions, especially religious buildings, on the type of socialization of residents. Due to the decrease in the social importance of neighborhoods over time, this study aims to achieve a model to improve the social qualities of neighborhoods with cohesive elements. Therefore, from the content analysis method based on theoretical principles in social cohesion in accordance with the Holy Quran, the Sunnah of the Prophet (PBUH), and Nahj al-Balaghah, three components of good social cohesion or social cohesion including virtue, dignity, and participation were obtained. While preparing a questionnaire according to the examples of the above components, according to Cochran's formula, 100 residents and neighborhood businesses were selected as a sample, and the results showed that the components of dignity have a score of 3.44, virtue 3.36, and participation 0.66. According to the standard analysis of the Likert Five-Scale Questionnaire, virtue and dignity are in the range of 2 to 3.5, ineffective, and

Corresponding Author: ketabollahi.kasra@gmail.com

How to Cite: Ketabollahi, K., Nejad Ebrahimi, A. (2022). The Role of Culture of Islamic Sects in the Social Cohesion of Historical Neighborhoods- Case Study: Sartpuleh Neighborhood of Sanandaj, *Journal Urban and Regional Development Planning*, 7(21), 161-191.

the component of participation is in the opposite range. Finally, social cohesion is in relatively good condition, and suggestions are made to strengthen it.


Keywords: Islamic Culture, Social Cohesion, Neighborhood Identity, Sects, Sartpuleh Neighborhood of Sanandaj.




نقش فرهنگ مذاهب اسلامی در انسجام اجتماعی محلات تاریخی

با مطالعه موردی محله سر تپوله سندج

دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز،
آذربایجان شرقی، ایران

*  کسری کتاب‌اللهی

استاد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز، آذربایجان شرقی، ایران

 احد نژاد ابراهیمی

چکیده

فرهنگ اسلامی، از جمله مسائل اساسی انسان است که انتظار می‌رود جامعیت قرآن کریم و روایات صحیح، پاسخ مناسبی به آن داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش شناسایی جنبه‌های تأثیرات فرهنگ اسلامی در روابط اجتماعی ساکنین محله سر تپوله و بررسی تأثیر عناصر کالبدی با عملکردهای مختلف به ویژه ابنیه مذهبی در نوع معاشرت ساکنین می‌باشد. نظر به کاسته شدن از اهمیت اجتماعی محلات در گذر زمان، هدف پژوهش دستیابی به الگویی جهت ارتقای کیفیات اجتماعی محلات با عناصر انسجام‌بخش می‌باشد. لذا از روش تحلیل مضمون‌مبنای مبانی نظری در حوزه انسجام اجتماعی منطبق بر قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و نهج‌البلاغه، سه مؤلفه حسن معاشرت عام یا انسجام اجتماعی شامل فضیلت، کرامت و مشارکت به دست آمد. ضمن تهیه پرسشنامه منطبق بر مصادیق مؤلفه‌های فوق، منطبق بر فرمول کوکران تعداد ۱۰۰ نفر از ساکنین و کسبه محله به‌عنوان نمونه انتخاب و نتایج حاصله نشان داد که مؤلفه‌های کرامت دارای امتیاز ۳،۴۴، فضیلت ۳،۳۶ و مشارکت ۰،۶۶ می‌باشند. بر اساس استاندارد تحلیل پرسشنامه طیف - پنج‌گانه لیکرت، مؤلفه‌های فضیلت و کرامت در بازه ۲ الی ۳،۵ یعنی بی‌اثر و مؤلفه مشارکت در محدوده مخالف بوده و نشانگر این است که از نظر روابط اجتماعی و حسن مشارکت روابط ضعیف مابین همسایگان برقرار است. نهایتاً انسجام اجتماعی در وضعیت نسبتاً مناسبی بوده و پیشنهادهایی ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ اسلامی، انسجام اجتماعی، هویت محله، مذاهب، محله سر تپوله سندج.

مقدمه

فرهنگ بیشتر از آنکه در انسجام و یکدستی، همگنی و روان بودن و غیره خود را بروز دهد، در فرآیندی از تنش‌ها، تناقض‌ها، گوناگونی‌ها، بی‌ثباتی‌ها و عدم قطعیت‌ها و موازی بودن‌های شناختی، زبانی، قومی و غیره به خود شکل داده و خود را بازتولید کرده است؛ بنابراین در فهم فرهنگ ایرانی-اسلامی، به‌عنوان رویه‌ی مقبول و حاکم بر جامعه‌ی ایران، شناسایی مصادیق متنوع فرهنگ ایرانی و متکثر اسلامی و چگونگی تأثیرگذاری بر ساخت شهرها اهمیت بسیار زیادی دارد. هجرت خاندان و نوادگان امام علی (ع) به‌عنوان امام اول شیعیان به سرزمین ایران از دوران حکومت عباسی، یکی از زمینه‌های معنوی و ردپای اهل‌بیت در شهرها و مناطق ایران بوده که فرصتی را برای تقویت پایه‌های فرهنگ دینی در کشور بنا نهاده است. مرقد آن‌ها، سرمنشأ تحولات کالبدی و فرهنگی در فضاها‌ی شهری گشته، به‌طوری‌که قدمگاه‌ها به‌عنوان مسیرهای هجرت و نیز به‌عنوان نطفه‌ی اولیه کانون‌های تجمع پیروان آن‌ها هستند. وجود آرامگاه‌های مذاهب اسلامی در شهرهای ایران با هر فرهنگ، مذهب، قومیت و زبانی، موجبات تقویت آمیختگی جنبه‌های مختلف فرهنگ شهری با مقوله‌ی مذهب گشته است و علیرغم تفاوت‌های مذهبی منجر به انسجام اجتماعی شده است؛ در شهر کردنشین سنندج، وجود مرقد‌های امامزادگان و منتسب به آن‌ها از جمله نشانه‌های این انسجام اجتماعی است که در گذر زمان، با هویت، فرهنگ و کثرت دینی مردم این شهر از مسیحیت، یهودیت و مذاهب تسنن و تشیع در دین اسلام، عجین شده و بر وفاق اجتماعی این شهر افزوده است. در شهر سنندج و حومه، مدفن امامزادگان، طاقه گه‌وره سید ابراهیم و سلطان عبدالله، پیر عمر و پیرمحمد (از نوادگان امام زین‌العابدین (ع))، بی‌بی هاجر خاتون (خواهر امام رضا (ع)) وجود دارد که به‌عنوان کانون‌های اجتماعی، فرهنگی-دینی، نقش مهمی را در باورها و زندگی مردم سنندج ایفا نموده است. علیرغم تعریف‌های رایج که شهر مذهبی را شهری می‌دانند که مورد احترام و توجه پیروان یک دین، آیین یا مذهب خاص باشد (مولایی، ۱۳۹۹: ۶۶)، با این حال شهر سنندج، به‌عنوان شهری که غالب ساکنین

آن دارای مذهب تسنن شافعی می‌باشند، در یک انسجام اجتماعی، آیین و کیش سایر ادیان و مذاهب، محترم شمرده شده و ارادت به ائمه و اهل‌بیت نه تنها در باور و عقیده، بلکه در رفتار و برونداد زندگی روزمره مردم ساری بوده و نمادی از ریشه دینی - تاریخی در این شهر است.

هدف اصلی این پژوهش شناسایی جنبه‌ها و ویژگی‌های تأثیرات فرهنگ اسلامی در روابط اجتماعی ساکنین محله و بررسی تأثیر عناصر کالبدی با عملکردهای مختلف به‌ویژه ابنیه مذهبی در نوع معاشرت ساکنین محله می‌باشد. با توجه به اینکه در گذر زمان، از اهمیت و ارزش اجتماعی محلات کاسته شده است، لذا ما به دنبال عناصر انسجام‌بخش اجتماعی در سطح محله هستیم که بر اساس آن بتوان به یک شیوه و الگو جهت ارتقای کیفیات اجتماعی محلات دست یافت. بر این اساس در این پژوهش به منظور تحقق هدف و بررسی مفهوم انسجام اجتماعی در سطح محلات معاصر، منطبق بر تصاویر شماره ۱ و ۲ اقدام می‌گردد. از روش تحلیل مضمون‌مبنای مبانی نظری مطروحه در حوزه انسجام اجتماعی منطبق بر قرآن کریم، سنت پیامبر عظیم‌الشان اسلام و نهج‌البلاغه، مؤلفه‌های مرتبط با انسجام اجتماعی استخراج می‌گردد. از بررسی مفاهیم مرتبط با محله که در انسجام‌بخشی تأثیرگذار هستند، توجه به مقوله ابنیه و فضاهای انسجام‌بخش و روابط همسایگی در قالب کالبد و غیرکالبد شناسایی می‌شود؛ بنابراین در سطح کالبد محله سرتپوله، در جستجوی مکان‌هایی هستیم که این تعامل و نزدیکی را قوت ببخشد. تمامی فضاها و بسترهای بروز معاشرت احسن در سطح محله به صورت بالقوه و بالفعل را شناسایی نموده و تأثیر آن را روابط اجتماعی ساکنین موردسنجش قرار دهیم. همچنین روابط مابین همسایگان منطبق بر مؤلفه‌ها و مصادیق انسجام اجتماعی در قالب پرسشنامه موردسنجش قرار خواهد گرفت. نهایتاً بایستی از آنچه در سطح محله سرتپوله بررسی می‌گردد، به میزان و کیفیت انسجام اجتماعی دست یافت.

۲. مبانی نظری: فرهنگ ایرانی-اسلامی و زندگی اجتماعی

فرهنگ در لغت به معنای نوع، روش، طرز، شیوه شکل دادن یا طراحی چیزی مطابق با معیار شناخته شده، شیوه‌هایی برآورنده و متناسب در رفتار اجتماعی پنداشته می‌شود (فیضی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰) کانت واژه فرهنگ را هم در معنای فرهنگ مهارت در تأسیس جامعه مدنی و فدراسیون جهانی و هم در معنای فرهنگ انضباط و کنترل آمیال جهت تحقق غایات متعالی اخلاق بکار گرفته است (ماحوزی، ۱۳۸۹: ۱۵). اصطلاح فرهنگ در فرهنگ‌نامه‌های مختلف به معنی ادب، عقل، دانش، بزرگی، حکمت، هنر، علم و معرفت آمده است. فرهنگ را در جایگاه علم به معنای نشانه و نمود معنوی رشد و پیشرفت یک جامعه به کار می‌برند. از این نظر فرهنگ خصوصیتی است که یک جامعه در زمان گام برداشتن در مسیر اعتلا کسب می‌کند! (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۰). در بعضی از فرهنگ‌ها، ریشه فرهنگ را از کشت و زرع، زمین و پرورش دانسته‌اند؛ یعنی عمل آوری و رشد در این مفهوم نهفته است؛ لذا گاهی فرهنگ به معنی رشد و تربیت افراد و جامعه انسانی به کار می‌رود، اما به مرور معنای این مفهوم متحول شده است و در مورد هر آنچه بصورت اجتماعی کسب می‌شود به کار می‌رود و عبارت است از مجموعه دانش، باور، هنر، دین، اخلاق، حقوق و آداب و رسوم و هر استعدادی که انسان به مثابه عضوی از جامعه معین کسب می‌کند (خزایی، ۱۳۸۷: ۲).

دفاع از اصالت فرهنگی و عدم نیاز به فرهنگ‌های دیگر و اصولاً یکپارچگی سخت فرهنگی، امری صرفاً اسطوره‌ای است که منشأ خود (فکوهی، ۱۳۹۴: ۲۱) را به‌ویژه در اسطوره مدرنیته سیاسی یا دولت ملی می‌بیند. توسعه فرهنگی از یکسو یعنی خلاقیت و توانایی آفریدن و تولید کردن فرهنگی درون‌زا، جهت رهایی از دچار شدن به خودبیگانگی و از سوی دیگر گشوده به سوی بیرون و پذیرای فرهنگ‌های دیگر برای آنکه دچار پوسیدگی و فساد درونی نشود. ابزارهای توسعه فرهنگی در واقع سرچشمه‌های بی‌پایان استعلا، دین و ایمان، اخلاق و اندیشه‌های ظریف فلسفی و معنایی، تجربه‌های مشترک تاریخ انسانیت و مهمتر از هر چیز، در وجود خداوند تعالی که از رگ گردن به ما

نزدیک‌تر است، می‌باشد (فکوهی، ۱۳۹۴: ۲۵-۲۶). فرهنگ‌شناسان سال‌هاست که بر این نکته تأکید می‌کنند که فرهنگ‌های انسانی نه امروز، بلکه از هزاران سال پیش اصیل نبوده‌اند، زیرا معنای اصالت در فرهنگ، یعنی قطع مبادله یک فرهنگ با فرهنگ‌های بیرون از خود که همچون نظام بیولوژیک به معنای قطع رابطه حیاتی مبادله ارگانیک است و یا به مرگ موجود می‌انجامد (همان: ۱۷۰-۱۷۴). هیچ جامعه بدون دینی، حتی در دورافتاده‌ترین نقاط کره زمین یافت نشده است و به همین دلیل جدایی فرهنگ و دین معنای چندانی ندارد. در مورد جامعه ایران این جدایی بازهم ناممکن‌تر است؛ زیرا اگر منظورمان از جامعه ایرانی، تداومی باشد که تا حدی به صورت واقعی نسبی در سطوح جغرافیایی-تاریخی-زبان‌شناختی واحدی به صورت مجموعه‌ای از اسطوره‌های شناختی-نمادین با آن‌ها سروکار داریم و ریشه آن‌ها آن را می‌توانیم تا چند هزار سال پیش عقب ببریم، دست‌کم از هزاره اول پیش از میلاد، این جامعه بر اساس الگوهای کاملاً دینی، فرهنگ خود را تعریف می‌کرده است. اینجاست که بحث جامعه‌بودگی یا به تعبیری قابلیت باهم زیستن در کنش‌ها و باورهای اجتماعی در قالب یک جامعه، قابل طرح است. هر اندازه با قابلیت بالاتری در این زمینه روبه‌رو باشیم، تداخل و پیچاپیچ دینی-فرهنگی، بیشتری را شاهد بوده‌ایم. به عقیده دکتر دانش‌پژوه (۱۳۸۱: ۶۹-۷۳)، در باور اکثریت مردم کشور ایران، فرهنگ مذهبی، فرهنگی کاملاً غالب به حساب می‌آید. در این فرهنگ عناصر ملی و دینی از یکدیگر تفکیک نشده‌اند، بلکه عموماً بر یکدیگر انطباق دارند، یکدیگر را تقویت می‌کنند و هرگونه تلاش برای از میان بردن و یا برتری دادن یکی از آن‌ها، با واکنش شدید کالدهای اجتماعی روبرو می‌شود (لطیفی و قلندریان، ۱۳۹۵: ۴۸). از دیدگاه (مولایی، ۱۳۹۹: ۵۴)، الگوی ایرانی/اسلامی از ضروریات پیشرفت و توسعه کشور می‌باشد. خلاقیت در اندیشه و یا قالب‌های غیردینی «تفکر، تفسیر، اجتهاد و...». اگر از ابزارهایی که فرهنگ ایرانی را در قالب‌های دینی استفاده مناسب را برای ایدئولوژی‌زدایی نمایم، می‌توانیم از منابع، موقعیت ترکیبی و خلاقیتی را که هزاران سال است، زبان، شعر و ادبیات و معماری در فرهنگ ایرانی وجود دارد، بهره‌مند شویم. نگاه معناگرایانه به فضا، شهر و محیط زندگی مستلزم جستجوی مکان‌های معنوی، رویدادها و

ردپاهای روحانی، درگذر زمان و مکان است. براین اساس بایستی در سطح محله در جستجوی فضاهای روحانی ملموس و غیرملموس که موجبات وحدت و انسجام و معاشرت احسن ساکنین را ایجاد می‌نمایند، باشیم.

-شهر- معاشرت و فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی، از جمله مسائل اساسی انسان است که انتظار می‌رود جامعیت قرآن کریم، پاسخ مناسبی به آن داشته باشد (کتاب الهی و مولایی، ۱۴۰۰: ۱۶۰). قرآن کریم تعریف لغوی و اصطلاحی ارائه نمی‌دهد؛ بلکه ویژگی‌های آن را بیان می‌دارد و از خصوصیات و ویژگی‌ها می‌توان به تعریف و شناخت لازم، دست یافت (رسا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۶). در روایات و در نهج‌البلاغه که شاکله شریعت اسلامی را بنا می‌نهد، در تفسیر مفاهیم و موضوعات مرتبط بهره گرفته شده است. یکی از تفاوت‌های اصلی انسان و حیوان، نیازهای عاطفی و اخلاقی می‌باشد. به نظر می‌رسد علم اخلاق بر همه تعلیمات و دانش دینی مقدم باشد. به تعبیر دیگر اخلاق از میان علوم اسلامی، گوهر و هسته دین است که هدف از رسالت و بعثت نبی اکرم (ص) معرفی شده است (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۰). فیضی و همکاران (۱۳۹۹: ۴۱-۴۳)، از علامه جوادی آملی ۴ مؤلفه اصلی در فرهنگ اسلامی را شامل "ارتباط فرد با خدا، ارتباط فرد با خود، ارتباط فرد با دیگران و ارتباط فرد با طبیعت" معرفی می‌کنند که شاخص‌های ارتباط فرد با فرد و فرد با دیگران که مرتبط با حسن معاشرت است به ترتیب در قالب "قاعده زرین، نشاط و شادی داشتن در ارتباط با دیگران، امید داشتن در روابط با دیگران، مهربانی و احترام گذاشتن، نیکی و کمک کردن، رعایت حقوق دیگران، آسیب نرساندن به دیگران، رعایت عدالت در برابر دیگران، گذشت داشتن نسبت به دیگران، مدارا کردن در روابط اجتماعی، پرهیز از خشونت در برخورد با دیگران، منفعت‌طلبی جمعی" دسته‌بندی می‌گردد.

انسان‌ها نیاز به معاشرت دارند و در این معاشرت باید از یکدیگر صفا، محبت و گذشت ببینند و از دورویی، خیانت، تزویر، افترا و ناراحت ساختن همدیگر اجتناب ورزند. خداوند در قرآن کریم به دفعات در مورد معاشرت در کانون خانواده و خصوصاً روابط

زوجین سخن گفته است. باین‌حال در زندگی اجتماعی نیز اگر معاشرت احسن حاکم باشد، بسیار ایده‌آل خواهد بود. فیضی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان "درآمدی بر فرهنگ اسلامی"، معتقد است که معادل واژه فرهنگ در فرهنگ اسلامی، "سیره" می‌باشد. فرهنگ برآمده از آموزه‌های اعتقادی و ارزشی است و بنیاد فرهنگ اسلامی، علاوه بر اعتقادات که مشتمل بر روح توحید در تمامی شئون زندگی است، شامل امور ارزشی و اخلاقی ثابت است. بررسی دوسویه اجزای مثلث "نیاز، دین، فرهنگ" نشان از ارتباط جدانشدنی مابین این‌ها دارد. رئیسی (۱۳۹۹)، با عنوان "تحلیلی میان‌رشته‌ای بر تعارضات معماری مسکن آپارتمانی با فرهنگ اسلامی با استناد به آموزه‌های نقلی اسلام"، نشان می‌دهد که الگوی توسعه عمودی ابنیه مسکونی (آپارتمان، برج و آسمانخراش)، به دلایل متعددی چون "تقابل با انجام برخی تکالیف اجتماعی، تقابل ضمنی با برخی از آیات و ادعیه و تضعیف فرهنگ عفاف و حجاب" از منظر متون دینی مطلوبیت ندارد. از دیدگاه وی (۱۳۹۹: ۱۷)، ممانعت از تهویه مطلوب ابنیه مجاور، اشراف به همسایه از طریق بلند ساختن بنا، تضعیف آرامش ابنیه مسکونی، صعوبت انجام برخی تکالیف اجتماعی، تعارض با انجام برخی مستحبات عبادی، تعارض با فرهنگ حجاب و عفاف، مکان‌یابی نامطلوب ریزفضاهای مسکونی از جمله موارد الزام آور رعایت ارتباط فرد با فرد و فرد با دیگران است. فرهنگ اسلامی با فرهنگ غربی به لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی تفاوت‌هایی دارد. در فرهنگ غربی، انسان‌مداری حاکم است و مباحث مختلفی از جمله الگوهای فراغت، تفریح، کسب و کار، مصرف و در مجموع روابط انسانی حول این مفهوم بنیانگذاری شده است؛ اما در مقابل فضای فکری-فلسفی در جامعه اسلامی تحت تأثیر جامعه توحیدی و دست‌یافتن به جامعه با تمدن اسلامی است.

اندیشه و نگرش انسان‌ها، کیفیت زندگی آن‌ها را می‌سازند. آیات قرآن کریم، احادیث پیامبر (ص) و سخنان اهل‌بیت (ع) این نوع نگرش را تأیید می‌کنند (قاسمی‌راد و مولایی، ۱۳۹۷: ۱۲۳). قرآن کریم در آیه ۱۰ سوره حجرات «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» ادب برخورد با دیگران را هم در قلمرو اسلامی لازم و هم با داعیه جهانی بر اساس صفا و صمیمیت انسانی در بین تمامی جوامع بشری سودمند می‌شمارد. از آنجاکه انسان با «أَحْسَن

تقویم»، خلق شده است، بنابراین پرورش موجودی این چنین، همانا برخورداری احسن است. آنچه در آیه ۵۳ سوره اسراء «قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ» و آیه ۸۳ سوره بقره «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» ذکر شده است، صرفاً برخوردار لفظی نیست؛ بلکه مطلق رفتار و معاشرت می‌باشد.

حوزه اسلامی همانند محدوده خانواده است که در مدار مهر و محور محبت می‌گردد که طبق آیه ۱۹ سوره نساء «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و آیه ۵ سوره بقره «فَأَمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ»، همواره صلاهی زندگی ایده‌آل طنین‌افکن بوده و فصل و وصل آن‌ها درگرو احسان و لطف خواهد بود. یکی از مفاهیم حسن معاشرت، وجود عدل و مساوات است. خداوند در آیه ۲۷۹ سوره بقره «لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» در نهی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری سخن گفته و هر دو را رد می‌کند.

از مواردی که در حسن معاشرت دارای اهمیت می‌باشد، جلوگیری از تحقیر دیگران، هتک حرمت و حیثیت افراد می‌باشد. با توجه به آیه ۱۶۵ سوره انعام «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» و آیه ۳۲ سوره زخرف «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»، روشن می‌شود که هرگونه مواهب الهی، آزمون بندگان خداست؛ نه تکریم واجدان و تحقیر فاقدان آن‌ها و هدف تقسیم عادلانه وظایف اجتماعی است و آیه ۱۱ سوره حجرات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ» نیز با تأیید این موضوع اعلام می‌دارد که باید جلوی هرگونه تحقیر و فخر فروشی را گرفته و حفظ احترام متقابل را بر همگان لازم می‌داند تا معاشرت جامعه در پرتو تأمین کرامت زمینه‌پدایش مدینه‌فاصله را فراهم نماید.

روابط انسان‌ها با یکدیگر به صورت عادی، فطری است. انسان همواره بر اساس فطرت خود متمدن است «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (آیه ۳۰ سوره روم). انسان بر اساس فطرت الهی خود با دیگران همکاری می‌کند و حقوق آن‌ها را محترم می‌شمارد. بنابه

فطرت انسانی و بر اساس حدیث رسول اکرم (ص): «لا يستكمل المرء الإيمان حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه» (بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۲۵۷)، انسان هر آنچه را برای خود می‌خواهد برای دیگران نیز همان را اختیار کند. لذا غارت منابع طبیعی، آلوده کردن محیط‌زیست، تجاوز به حقوق دیگران و غیره با مدیّت فطری انسان سازگار نیست.

تمامی مباحثی همچون همکاری، تعاون، تفاهم، مساعدت، مشارکت، احساس همدردی، سرمایه اجتماعی، از خودگذشتگی، ایثار و غیره از جلوه‌های اجتماعی فطرت سلیم آدمی است که مدیّت مورد نظر دین نیز بر پایه چنین اموری شکل یافته است.

با توجه به کثرت ادیان، مذاهب و اقوام در کشور ایران، زندگی مسالمت‌آمیز مردم با یکدیگر از اهمیت بالایی برخوردار است. آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۶: ۳۰۰)، در کتاب "اسلام و محیط‌زیست" عقیده دارند که بر اساس آیات قرآن کریم، صاحبان ادیان و بالتبع مذاهب مختلف می‌توانند با پذیرش خطوط کلی دین همدیگر، باهم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند. بر اساس آیه ۶۴ سوره آل عمران، رسول اکرم (ص) خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»، انسان‌ها باید موحد باشند و هیچ‌یک خود را بر دیگری تحمیل نکنند. این مفهوم به معنای کثرت‌گرایی دینی نیست، بلکه به معنای احترام متقابل و زندگی مسالمت‌آمیز مردم با یکدیگر است. از مسائل مهم در زندگی برقراری پیوند دوستی و صمیمیت با دیگران است. در اسلام روابط اجتماعی برپایه دوستی بنا شده است لذا حضرت علی -علیه السلام- سفارش نموده است که: دوستان خود را زیاد یاد کنید که آنان در دنیا یار و یاور شما و در آخرت شفاعت خواه شما هستند (حرّ عاملی، ۱۳۶۷: ۲۳۸).

خوش اخلاقی و برخورد شایسته یکی دیگر از اصول معاشرت با دیگران است که معصومان -علیهم السلام- و از جمله علی -علیه السلام- از آن به حُسن خلق تعبیر کرده‌اند؛ و در برخورد با دیگران رعایت آن را سفارش نموده‌اند. در روایتی از آن حضرت آمده است: هیچ آسایش و لذتی گواراتر از حُسن خلق نیست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸: ۲۵۵).

یکی دیگر از روش‌های معاشرت با مردم از نظر حضرت علی -علیه‌السلام- رعایت صداقت و راستی است. در این خصوص حضرت علی -علیه‌السلام- می‌فرماید: صداقت و راستی محکم‌ترین پایه ایمان است. همچنان در جای دیگر فرموده است: راست‌ترین سخن آن است که زبان حال به آن گویا باشد. حضرت جایگاه «ادب» را بالاتر از جایگاه «عقل» دانسته است و می‌فرماید: هر چیزی محتاج عقل است و عقل محتاج ادب (قمی، ۱۳۷۴: ۶۷۵).

زندگی در جوامع بشری، اخلاقی انعطاف‌پذیر می‌طلبد. در جوامع انسانی افراد مختلفی با روحیات مختلف زندگی می‌کنند: جماعتی زودرنج‌اند، جماعت دیگر سعه‌صدر دارند، عده‌ای بذله‌گو هستند و گروهی جدی و خشن و... با توجه به این همه روحیات متنوع، بدیهی است که انسان نمی‌تواند با همه افراد به یک‌گونه رفتار نماید. پس لازمه مردم‌داری و معاشرت با دیگران، شناخت روحیات و خلقیات مردم است؛ بنابراین ضروری است بدانیم افرادی که اطراف ما زندگی می‌کنند، چه ویژگی‌هایی دارند. برای معاشرت مناسب با مردم، لازم است آن‌ها را بشناسیم و با لحاظ روحیات خودشان رفتار و مدارا کنیم. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله روایت شده است: "پروردگرم، همان‌گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است" (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). در حدیث دیگری چنین روایت شده است که جبرئیل به محضر رسول خدا (ص) آمد و از سوی خدا چنین پیام آورد: "ای محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و به تو می‌گوید: با بندگان من مدارا کن" (حرّ عاملی، ۱۳۶۷: ۵۴۰). باز در این باره رسول اکرم (ص) می‌فرماید: "مدارای با مردم، نیمی از ایمان و سازش و رفاقت با آن‌ها نیمی از زندگی است" (ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۲۳۹). حضرت علی (ع)، دیدگاه کلی اسلام را درباره معاشرت با مردم چنین تبیین می‌کند: "با مردم طوری معاشرت کنید که اگر با آن حالت مُردید، در سوگتان بگریند و اگر زنده بودید با شما دوست باشند" (نهج‌البلاغه، بی‌تا: ۱۰)؛ یعنی به‌گونه‌ای زندگی کنیم که دیگران از مرگ ما ناراحت و از دیدار ما خوشحال و خشنود باشند. این مفهوم در سطح خانه‌های آپارتمانی، مجتمع‌های مسکونی، بلوک، کوچه و محله اهمیت دوچندانی می‌یابد. لذا توجه به ویژگی‌های کالبدی و ساختار محلات بایستی به

نحوی باشد که فرهنگ ایرانی اسلامی در آن تجلی پیدا کند و برآورده‌کننده مجموعه مواردی باشد که تحت عنوان حسن معاشرت در بین ساکنین، کسبه و استفاده‌کنندگان از محله سازی و رایج است.

جدول ۱. فرهنگ ایرانی اسلامی و معاشرت اجتماعی، مأخذ نگارندگان

پیشنهادها	اندیشمندان - سال
فرهنگ زندگی اسلامی ناشی از اجزای مثلث "نیاز، دین، سبک زندگی"	فیضی و همکاران (۱۳۹۲)
۳ مؤلفه انسجام اجتماعی در فرهنگ اسلامی شامل "ارتباط فرد با خود، ارتباط فرد با دیگران، ارتباط فرد با طبیعت" می‌باشد.	فیضی و همکاران (۱۳۹۹) به نقل از علامه جوادی آملی
احترام و ارزش همسایگی	رئیزی (۱۳۹۹)
فرهنگ اسلامی به‌عنوان سبک ارزشمند و برتر در بین تمامی ادیان الهی	رسا و همکاران (۱۳۹۹)
فرهنگ اسلامی، ترکیبی سلسله‌وار و تعاملی از آموزه‌های وحیانی «نظام معنایی توحیدی»، بینش «نام معرفتی»، گرایش‌ها «ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی» و کنش «الگوسازی رفتار دینی» است.	حسین پور و همکاران (۱۳۹۶)
ارتباط معماری و طراحی شهری با انسجام اجتماعی	حاجی احمدی و همکاران (۱۳۹۴)
ارتباط خلیقات فردی و اجتماعی در سطح محله با انسجام اجتماعی	موحد و همکاران (۱۳۹۹)
شناخت فرهنگ زندگی اجتماعی و در اولویت قرار دادن آن منجر به ارتقای امنیت خانواده و سپس امنیت اجتماعی می‌شود	ستوده گندشمن و همکاران (۱۳۹۵)
وجود ارتباط بین فرهنگ اسلامی و سلامت اجتماعی، لزوم برخورداری از عبادات و آداب اسلامی در جمع	افشانی و همکاران (۱۳۹۳)
رابطه فرهنگ اسلامی و امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر روابط مطلوب همسایگی	موسوی و همکاران (۱۳۹۵)
حسن ظن و مثبت اندیشی یکی از شاخه‌های فرهنگ اسلامی در ایجاد روابط اجتماعی مثبت و ارزشمند	قاسمی‌راد و همکاران (۱۳۹۷)
لزوم برخورداری از قوانین و چارچوب علمی منطبق بر فرهنگ اسلامی در ساخت‌وسازها	حمزه‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴)

پیشنهادهای	اندیشمندان - سال
<p>بر اساس کلیه مصادیق مذکور و تعاریف مندرج در قرآن کریم، سنت پیامبر ص و نهج‌البلاغه، می‌توان مؤلفه‌های انسجام اجتماعی را در قالب سه موضوع مشارکت، فضیلت و کرامت دسته‌بندی نمود.</p> <p>مشارکت شامل مساعدت، تواضع، احساس همدردی، تفاهم تعاون، اخوت است. فضیلت شامل احترام، سازش، مدارا، صمیمیت، خوش‌خلقی و مؤلفه کرامت شامل ایثار، عفو، صلۀ رحم، مصالحه، معانقه می‌باشد.</p> <p>-براین اساس مصادیق زیر در مؤلفه فضیلت قابل‌بیان است.</p> <p>نشاط و شادی داشتن با در ارتباط با دیگران، امید داشتن در روابط با دیگران، مهربانی و احترام گذاشتن، نیکی و کوچک‌کردن، رعایت حقوق دیگران، آسیب نرساندن به دیگران، رعایت عدالت در برابر دیگران، گذشت داشتن نسبت به دیگران، مدارا کردن در روابط اجتماعی، پرهیز از خشونت در برخورد با دیگران، منفعت‌طلبی جمعی - در مؤلفه مشارکت مصادیق زیر مشخص می‌باشد.</p> <p>ممانعت از تهویه مطلوب ابنیه مجاور، اشراف به همسایه از طریق بلند ساختن بنا، تضعیف آرامش ابنیه مسکونی، صعوبت انجام برخی تکالیف اجتماعی، تعارض با انجام برخی مستحبات عبادی، تعارض با فرهنگ حجاب و عفاف، مکان‌یابی نامطلوب ریزفضاهای مسکونی از جمله موارد الزام‌آور رعایت ارتباط فرد با فرد و فرد با دیگران است -</p> <p>-در مؤلفه کرامت هم مصادیق زیر قابل‌بیان است.</p> <p>شرایط کالبدی، امنیت و ایمنی، زمان فعالیت، دسترسی و معاشرت پذیری - رازداری، امانت‌داری، پایبندی به عهد و پیمان، مسئولیت‌پذیری، مهربانی و رثوف با دیگران، متواضع و خوش‌برخورد بودن</p>	<p>جمع‌بندی مصادیق انسجام اجتماعی در درون محله</p>



شکل ۱. مؤلفه‌های انسجام اجتماعی بر اساس فرهنگ اسلامی به صورت طولی، مأخذ نگارندگان،

۱۴۰۰

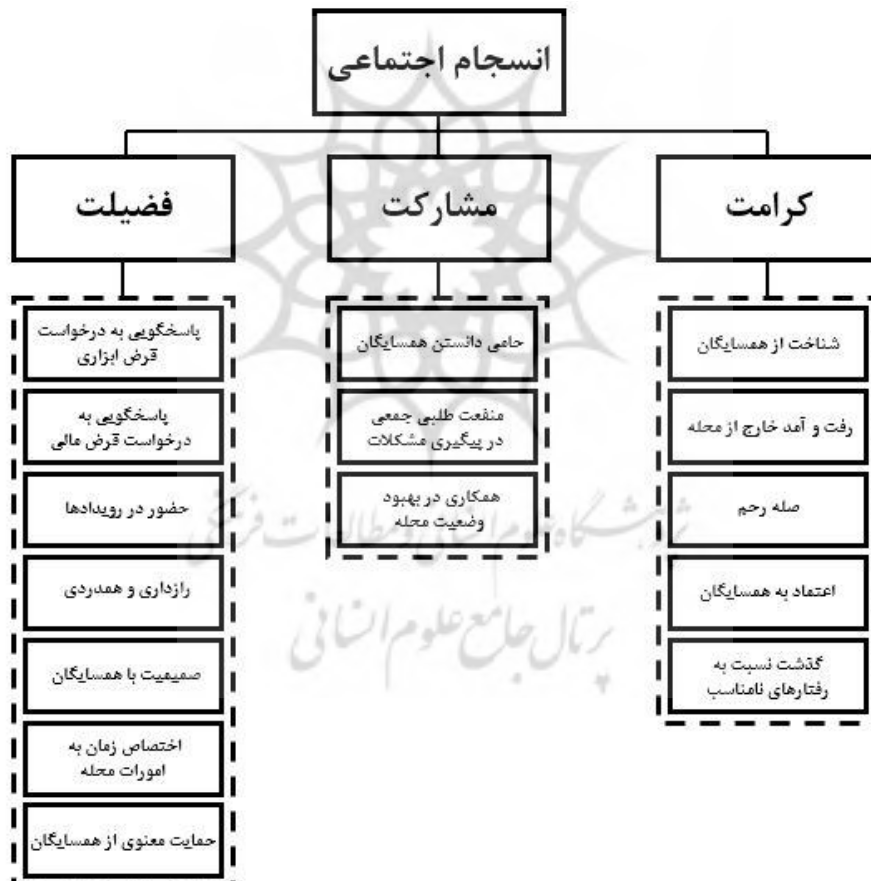
محله و انسجام اجتماعی

واژه محله در ادبیات جهانی با دو واژه Neighbourhood و Township مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مورد اول جمعیتی بالغ بر ۲-۱۰ هزار نفر و در مورد دوم ۱۵-۴۰ هزار نفر جمعیت را در بر می‌گیرد. واژه نخست محله مسکونی دارای هویت مشخصی است، اما واژه دوم به محدوده‌ای دارای فرصت‌های شغلی متنوع، تجهیزات لازم از جمله مراکز تفریحی، مراکز خرید و غیره است (Barton, et al., 2003:22). در ایران جمعیت ساکن محله ۷۰۰-۱۲۵۰ خانوار معادل ۳۵۰۰-۶۲۵۰ نفر با دامنه نوسان شعاع دسترسی پیاده (۴-۵ دقیقه) تعریف می‌شود. بر اساس تعریف محله در دو سطح عناصر شاخص (نظیر مدرسه

ابتدایی و مسجد) و عناصر توزیعی (نظیر مراکز تجاری روزانه- هفتگی- پارک محله- مکان ورزشی- واحد بهداشتی) استخوان‌بندی محله را تشکیل می‌دهند (حییبی و مسائلی، ۱۳۷۸: ۱۳). وجود و تداوم سازمان و استخوان‌بندی محور اصلی محله همراه با گذرهای پیاده، ترکیب عملکردها و فعالیت‌ها برای ایجاد وحدت فضایی، وجود نشانه‌ها و عرصه‌های مختلف نیمه‌خصوصی، نیمه عمومی و عمومی به‌عنوان بستر اصلی در تعاملات و روابط اجتماعی از دیگر ویژگی‌های محله بشمار می‌روند (حییبی، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۳). عزیزی (۱۳۸۵: ۳۷) معتقد است همان‌گونه که در مقیاس جهانی، شهرها برحسب جمعیت، فرم و تراکم و سایر ویژگی‌های خود متفاوت هستند، برای محله نیز شاخص‌هایی نظیر جمعیت، سطح و شکل معرف آن‌ها نیستند. در مقابل عواملی نظیر هویت قابل‌تشخیص، ادراک ساکنین، نام و مرزهای کالبدی، معرف محله‌ها هستند.

در شهرهای سنتی ایران، محله بخش جدایی‌ناپذیر ساختار اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و کالبدی شهر ایرانی می‌باشد. محلات شهری واحدهای اجتماعی خودگردان با بافت اجتماعی- فرهنگی همگن بوده که زندگی در آن بر پایه ثروت و موقعیت اجتماعی نبوده و فقرا و آغنیاء در یک واحد فضایی می‌زیسته‌اند (معروفی، ۱۳۹۷- خیرآبادی ۱۳۷۶). بدیهی است که جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و همبستگی‌های قومی، مذهبی، صنفی و زبانی عامل انسجام محلات، معاشرت آحسن و رمز پایداری و بقاء ساکنین بوده است. پس از آغاز طرح‌های توسعه شهری و برونداد شهرسازی دوران پهلوی دوم در قالب پدیده آعیانی‌سازی در دوران پهلوی اول و دوم و دگرگونی بافت اجتماعی همسو با تحولات کالبدی، شاکله محلات شهری به‌عنوان ساختار منسجم اجتماعی رو به افول نهاده و امروزه به‌عنوان یک واحد تقسیمات شهری بر اساس جمعیت و برخورداری از خدمات پایه همچنان که در تعاریف رسمی فوق ملاحظه گردید، تبدیل شده است. به باور بحری‌مقدم و همکاران، (۱۳۹۲: ۱۱۴)، با پیدایش محله کارکردهای اجتماعی و فرهنگی نیز بر آن مترتب می‌شد. محله به هر دلیلی که شکل می‌گرفت، برآیند مجموعه‌ای از نیروهای سیاسی- اداری، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی بود که مقوم حیات آن بود. ازاین‌بین، نیروی اجتماعی و فرهنگی محله کارکردهایی را به دنبال داشت. تعیین هویت فردی و اجتماعی،

وحدت‌آفرینی و انسجام‌بخشی، همزیستی طبقات مرفه و تهیدست جامعه، ایجاد حس مسؤولیت‌پذیری اهالی محله نسبت به یکدیگر، برقراری امنیت فردی و اجتماعی، بقا و رشد فرهنگ‌های اقلیتی از جمله این کارکردها بوده است که امروزه کمرنگ شده است. مطالعات زیادی به مقایسه ساختار محلات سنتی ایران با مدل‌های ارائه‌شده در غرب پرداخته‌اند، بخش عمده‌ای از این مطالعات معطوف به ساختار کالبدی محلات شده که نهایتاً منجر به ارائه پیشنهادهایی برای معاصرسازی الگوهای کالبدی محلات سنتی ایران شده است. آنچه کمتر به چشم می‌آید، معاصرسازی محلات اجتماعی محلات بر مبنای مفاهیمی همچون حسن معاشرت ساکنین بر اساس فرهنگ ایرانی-اسلامی می‌باشد.



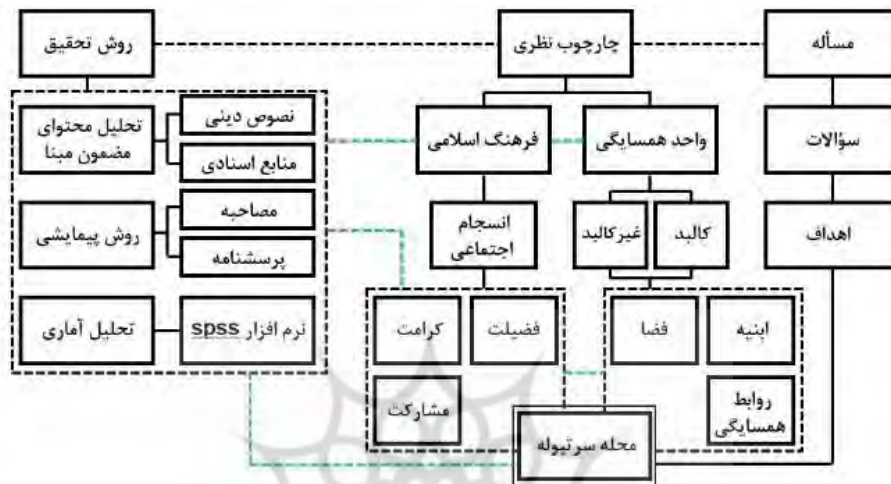
شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش، (مأخذ نگارندگان)

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف تحقیق، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، کیفی و بر اساس تحلیل محتوای نصوص دینی مرتبط با فرهنگ اسلامی، اخلاق اسلامی، حسن معاشرت و اسنجام اجتماعی و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با محله و اجتماع محلی انجام می‌پذیرد. بر اساس موضوع نیز در زمره تحقیقات نظام‌بخش قرار می‌گیرد. چارچوب نظری پژوهش با مطالعه و بررسی منابع کتابخانه‌ای و اسنادی معتبر تکمیل می‌گردد. تحلیل محتوای مضمون‌مبنا، تحلیل مضمونی و یک راهبرد تحلیلی به شیوه ساده‌سازی داده‌هاست که در آن داده‌های کیفی در نصوص دینی، تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، خلاصه و بازسازی می‌شوند؛ به شیوه‌ای که در آن مهم‌ترین داده‌ها در جریان تحقیق، ذخیره می‌گردند. با توجه به جمعیت تقریبی ۱۲ هزار نفر محله سرپوله و جمعیت چند ده‌هزار نفری محلات اطراف و مراجعات به این محله که آمار دقیق آن مشخص نمی‌شود، بر اساس نظر نویسندگان و منطبق بر منبع ساروخانی در صورت عدم امکان شناسایی آماری، حجم نمونه برابر ۱۰۰ در نظر گرفته شده و صحیح می‌باشد. مجموعاً این تعداد پرسشنامه به‌عنوان حجم نمونه در سطح محله و با پیش‌شرط سکونت و کاسبی حداقل یک‌ساله در سطح محله توزیع می‌گردد تا بر اساس آن بتوان از ویژگی‌های اجتماعی نهفته در روابط همسایگی با تأکید بر ابنیه مذهبی و فرهنگی کسب اطلاع نمود.

جامعه آماری پژوهش، تمامی ساکنین و کسبه محله بوده و زمان توزیع پرسشنامه‌ها نیمه دوم مردادماه ۱۴۰۰ می‌باشد. جهت همسویی با فراگیری موضوع، نمونه‌ها از سنین، صنوف و مشاغل مختلف انتخاب شده است. براین اساس بازه سنی ۱۵ تا ۷۰ سال به‌عنوان سن متعارف نمونه آماری شامل «نوجوان، جوان، بزرگسال و کهنسال»، با حداقل یک سال حضور در سطح محلات انتخاب شده است. زمان تکمیل پرسشنامه و مصاحبه به‌گونه‌ای انتخاب شد که طیف گسترده‌تری از مردم در محلات حضور داشته باشند و همه-شمولی جامعه آماری حفظ گردد. براین اساس روزهای ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ مرداد ماه سال ۱۴۰۰ به‌عنوان زمان توزیع پرسشنامه انتخاب گردید، به‌نحوی که دو روز تعطیلی رسمی و دو

روز کاری را شامل می‌شد. نکته مهم دیگری که در توزیع پرسشنامه اهمیت دارد، توجه به پراکنش مناسب پرسشنامه‌ها و توزیع مکانی مناسب آن‌ها در سطح محلات است. براین اساس توزیع پرسشنامه در اکثر محلات با پراکنش مناسب به انجام رسید.



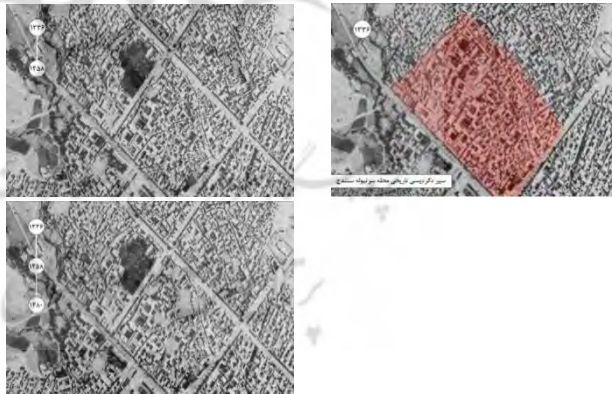
شکل ۳. فرآیند انجام تحقیق، (مأخذ نگارندگان)

با توجه به اینکه پرسشنامه‌ها به شیوه مصاحبه تکمیل گردید، قبل از شروع مصاحبه، مصاحبه‌گر با برقراری رابطه صمیمانه با پرسش‌شونده از طریق گپ صمیمانه، طرح موضوع پژوهش، به اشتراک گذاشتن نظرات مشترک جامعه و شنیدن تجربیات، مشکلات، درد دل‌ها، آمادگی روانی و اعتماد لازم را در پرسش‌شوندگان ایجاد نمود. استفاده از گویش، ادبیات رایج و استفاده از پوشش و لباس محلی توسط مصاحبه‌گر خصوصاً در محلات تاریخی و فرسوده از جمله مواردی دیگری بود که به منظور افزایش تعامل با پرسش‌شونده بکار گرفته شد. پرسشنامه در ۵ عدد سؤال باز و ۱۶ عدد سؤال بسته تنظیم شده است. تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS 16 به انجام رسیده و نقش و تأثیر ابنیه مذهبی در نوع روابط آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. پرسشنامه حاضر محقق ساخته بوده، سؤالات بر اساس مصادیق مدل مفهومی به‌دست آمده طرح شده و بر اساس طیف پنجگانه لیکرت از امتیاز خیلی کم [۱] تا امتیاز بسیار عالی [۵] متغیر است. با توجه به حجم نمونه آماری و امتیازات به‌دست آمده اگر کدگذاری از سمت راست به چپ، ۱ تا ۵ باشد،

در هر پرسشنامه، حداکثر امتیاز بر اساس محاسبه میانگین مجموع کدها، برابر با ۵ و حداقل آن برابر با ۱ خواهد بود. معمولاً در این حالت، امتیاز بین ۳,۵ تا ۵ را نشانه موافقت (اثربخشی)، ۲ تا ۳,۵ را بدون نظر (بی‌اثر) و امتیاز ۱ تا ۲ را مخالف (اثر با جهت عکس) در نظر می‌گیرند. در انتها نیز راهبردها و راهکارهایی جهت افزایش انسجام اجتماعی بر اساس فرهنگ ایرانی-اسلامی پیشنهاد می‌گردد.

۴. مطالعه موردی: محله سرپوله

محله سرپوله در بازه زمانی ۱۳۰۰-۱۳۲۰، با تأسیس ساختمان‌های دولتی همچون شهربانی، شهرداری، دادگستری و ... تأسیس می‌گردد. تا سال ۱۳۵۷ در زمره محلات پررونق و نوظهور شهر تلقی می‌گردد و پس از انقلاب به دلیل شکل‌گیری محلات جدید و توسعه شهر به سمت جنوب، از رونق آن کاسته می‌شود. با این وجود به دلیل تعدد آثار تاریخی و مذهبی، همواره مورد احترام مردم شهر سندج بوده و به دلیل وجود آرامگاه بی‌بی هاجر خاتون خواهر امام رضا (ع)، مقصد گردشگران متعددی از شهرهای دیگر کشور می‌باشد.



شکل ۴. سیر دگردیسی محله سرپوله، (مأخذ نگارندگان، ۱۴۰۰)



۱. امامزاده بی‌بی هاجر خاتون - ۲. حسینیه - ۳. مسجد - ۴. خانه کرد منزل آصف دیوان - ۵. منزل مشیردیوان
۶. مسجد حاجیه خورشید لقا مشیروزیری و خانقاه سلطان العارفین - ۷. مسجد - ۸. منزل تاریخی
۹. پارک شهداء، فرح سابق ۱۰. مسجد دارالاحسان ۱۱. تکیه و خانقاه

شکل ۵. موقعیت آثار تاریخی و مذهبی در سطح محله و پیرامون، (مأخذ نگارندگان، ۱۴۰۰ با استفاده از Google Earth)

این محله از نظر غنای کالبدی، وجود آثار شاخص تاریخی و مذهبی که در اذهان ساکنین شهر سنج و استان کردستان و حتی خارج از آن شناخته شده است، در وضعیت مطلوبی قرار دارد. آنچه اهمیت می‌یابد، روابط مردمان ساکن و شاغل در این محدوده می‌باشد. روزنامه کورد تودی، در سرتیتر اخبار ۳ آبان ۱۳۹۴، از این محله با عنوان محله اعیان‌نشین قدیم با بافت فرسوده کنونی، نام می‌برد. محله‌ای که با خیابان کشی خیابان شهداء کنونی [فرح سابق]، از محله قلاچوارلان مجزا گشت. در دهه‌های گذشته بسیاری از مردمان این

محلّه، به سایر محلات مهاجرت نموده و بافت اجتماعی آن متحول گشته است. بازدید از داخل محلّه در فصول زمستان ۱۳۹۹، بهار و تابستان ۱۴۰۰، نشان داد که پاتوق‌های درون محلّه‌ای به دلایل متعددی چون کم‌عرض بودن معابر و عبوری بودن آن‌ها، شناخت اندک همسایگان از یکدیگر به دلیل سابقه کم سکونت در محلّه و نبود فضاهای باز از جمله میدانگاه‌های محلی و غیره، به‌ندرت شکل می‌گیرد. مورد دیگر، کمبود شدید سرانه‌های تجاری، فرهنگی، سبز و خدماتی در درون محلّه می‌باشد که به دلیل هم‌جواری محلّه با بازار، مسجد جامع شهر و خیابان‌های تجاری دور محلّه‌ای، نقش و اهمیت این فضاها در درون محلّه کاهش چشمگیری داشته است. از طرف دیگر قرارگیری کاربری‌های مذهبی و آثار تاریخی در مرز محلّه و نقش فرامحلی آن سبب گشته که در روابط اجتماعی همسایگی، تأثیر چندانی نداشته ولی به لحاظ انتساب به محلّه و هویت مکانی، در اذهان تمامی ساکنین دارای اعتبار است.



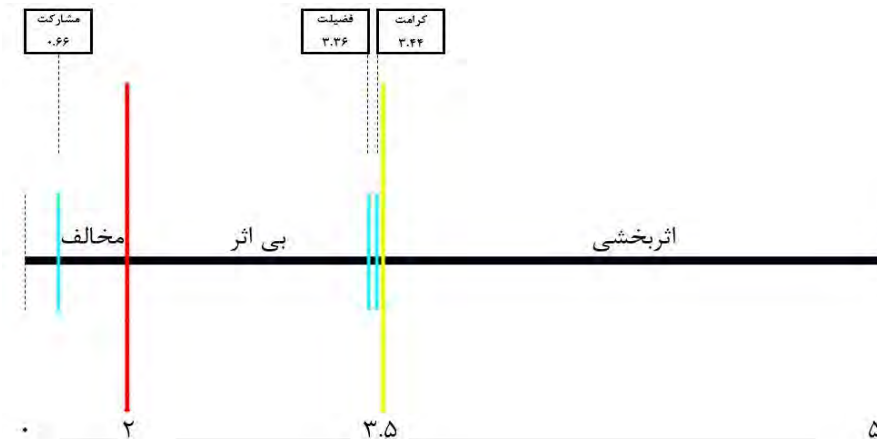
شکل ۶. محلّه سرتپوله، (مأخذ نگارندگان، ۱۴۰۰)

محلّه به دلیل خیابان‌کشی‌های متعدد و قرارگیری لکه‌های درشت مقیاس با عملکرد شهری همچون پاساژ عزتی، ساختمان دخانیات، حسینیه، امام‌زاده بی‌بی هاجر خاتون، عمارت تاریخی مشیردیوان و خانه کرد و ... محلّه حالت برون‌گرا گرفته است. درون بافت مرکز محلّه منسجم با کارکرد اجتماعی تجاری دیده نمی‌شود و براین اساس اکثر تعاملات و حاجت مربوط به خرید، از طریق بازار اصلی شهر و خیابان‌های تجاری پیرامون انجام می‌گردد که این خرید توأمان با گفتگو و دید و بازدید و مراودات اجتماعی می‌باشد. به دلیل نبود کاربری ورزشی و فضاهای باز در سطح محلّه، تجمع و فراغت کودکان و نوجوانان در

سطح محله در ایام بازدید قابل مشاهده نبود و محله از این منظر کاملاً تحت تأثیر مرکز شهر قرار گرفته و نقش خوابگاهی به خود گرفته است تا آنجا که ۹۱٪ از سطح محله را کاربری مسکونی به خود اختصاص داده است. همچنین به دلیل کمبود شدید پارکینگ در مرکز شهر، اندک فضاهای باز محله در ساعات اداری و حتی تا ساعاتی از بعد از شهر تبدیل در تسخیر خودروهای مراجعین به مرکز شهر قرار می‌گیرد و این مکان‌ها که امکان بروز تعاملات اجتماعی را می‌توانند داشته باشد، خالی از معاشرت و مراودات می‌باشند.

۵. یافته‌ها و بحث

پس از توزیع پرسشنامه حجم نمونه در این پژوهش شامل ۵۲٪ پاسخ‌دهندگان مردان و ۴۸٪ زنان می‌باشد. گروه سنی ۳۵-۴۵ سال با ۳۱٪ بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان، ۶۴٪ متأهل و ۳۶٪ مجرد می‌باشند. میانگین میزان سال‌های سکونت در محله، ۱۲ سال می‌باشد و ۵۹٪ در خانه‌های آپارتمانی و ۳۷٪ در خانه‌های ویلایی و ۴٪ در خانه‌های گروهی حیاط مرکزی به‌طور مشترک زندگی می‌کنند. بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه، مؤلفه کرامت دارای امتیاز ۳,۴۴، فضیلت امتیاز ۳,۳۶ و مشارکت امتیاز ۰,۶۶ می‌باشند. بر اساس استاندارد تحلیل پرسشنامه بر اساس طیف پنجگانه لیکرت، مؤلفه‌های فضیلت و کرامت در بازه ۲ الی ۳,۵ یعنی بی‌اثر و نزدیک به محدوده اثربخشی می‌باشند. با این حال مؤلفه مشارکت در محدوده مخالف بوده و نشانگر این مسئله است که از نظر روابط اجتماعی و مفاهیم حسن مشارکت روابط ضعیف مابین همسایگان برقرار است.



شکل ۷. امتیاز مؤلفه‌های انسجام اجتماعی در محله سرتپوله بر اساس طیف ۵ گانه لیکرت. (مأخذ نگارندگان، ۱۴۰۰)

از میانگین مجموع پاسخ‌های مربوط به مؤلفه‌های انسجام اجتماعی، عدد ۲٫۸ به دست آمد که بر اساس عیار طیف لیکرت در بازه بی‌اثر قرار دارد؛ یعنی روابط همسایگی در مرحله بی‌تفاوتی و سطحی در جریان است. روابط کاملاً قطع نشده و از عمق شدیدی هم برخوردار نمی‌باشد. آنچه از نتایج پرسشنامه و مصاحبه حاصل می‌شود، مواردی چون معانقه و مصافحه به دلایل بروز بیماری کرونا رنگ‌باخته و مردم در برخورد با همسایگان از بروز رفتارهای این‌چنینی اجتناب می‌ورزند. صله‌رحم تا حدودی کاهش یافته و این کاهش در تعداد دفعات و زمان‌های بودن در کنار یکدیگر خود را متجلی نموده است. باین حال سوق یافتن تعدادی از ساکنین به شرکت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی محله جالب‌توجه است که البته بیشتر در قشر سنی جوان، نوجوان و کودکان مشهود است. ایثار و عفو در بین ساکنین قابل توجه است و شرایط نابسامان اقتصادی و رفتاری‌های ذهنی سبب شده است که ساکنین از پیگیری بسیاری از موارد در ارتباط با همسایه و هم‌محله‌ای خود چشم پوشیده و گذشت را سرلوحه کار خود قرار دهند در این مورد می‌توان به بی‌تفاوتی و گذر از معتادان حاضر در سطح محله اشاره نمود. در زمینه نمونه‌های مرتبط با مشارکت، روابط ساکنین عمدتاً از جنبه‌های احساس همدردی و اخوت وضعیت مناسبی دارند.

با این حال تعاون و مساعدت جایگاه کمتری در امورات مربوط به پیگیری مشکلات محله و غیره دارد. نتایج پرسشنامه نشان می‌دهد اعتماد ساکنین به وعده‌های مسئولین مرتبط با معیشت محلات همچون شهرداری و غیره سلب شده است و حاضر نیستند وقت و عمر خود را صرف اموراتی نمایند که عیان است و سال‌هاست مستمراً وجود داشته است. در این مورد می‌توان به وجود تل‌هایی از نخاله‌های ساختمانی در چند نقطه از سطح محله یا وضعیت نامناسب آسفالت و غیره اشاره کرد که هیچ‌کدام از ساکنین علیرغم نزدیکی محله با شهرداری مرکزی، تمایلی در پیگیری این امور نشان نمی‌دهند.

با این حال مصادیق مرتبط با فضیلت وضعیت مناسبی دارد. احترام، سازش، مدارا و خوش‌رفتاری ظاهری از جمله ویژگی‌های مردم این محله بشمار می‌رود. به دلیل حجم بالای مهاجرت و جابجایی ساکنین محله، صمیمیت در قشرهای کوچک و محدود به روابط درون آپارتمانی و هم‌جواری‌ها می‌گردد. آنچه به‌عنوان عامل وحدت‌بخش محله بشمار می‌رود، مجموعه‌ای از کسبه با سابقه و دکان‌های تجاری با قدمت بالا در مرز محله می‌باشد (که شغل برخی از آن‌ها در گذر زمان تغییر یافته ولی کماکان با همان کسب و پیشه قدیمی شناخته می‌شود و در آدرس دهی توسط ساکنین محله نیز، محل کسب پیشین، مورد ارجاع قرار می‌گیرد^۱). از جمله قطعه فروشی خانواده رعدی، دوچرخه‌سازی و فروشی در مرز شمالی، راسته تجاری خیابان امام خمینی (ره) (شاهپور سابق)، راسته بزازان در شمال شرق محله، پاساژ عزتی در شمال غرب محله، خانه کرد در جنوب غرب محله و مجموعه‌ای از تکیه‌گاه‌ها، مساجد و امامزاده بی‌بی هاجر خاتون (س) که به‌عنوان آرامشگاه و مکان مقدس و متبرک و مشهور در اذهان همه ساکنین این محله وجود دارد. آنچه از نتایج پرسشنامه بدست آمد، توجه ساکنین به خلق پاتوق‌های اجتماعی کوچک مقیاس در جوار کاربری‌های مذهبی تاریخی، احساس نیاز به احداث مرکز محله به جهت وحدت بخشی فضاها و خلق بستر مراودات اجتماعی و معاشرت احسن ساکنین، تأکید بر نمادسازی

۱. یکی از مواردی که در مصاحبه بسیار مشاهده گردید، بکارگیری اسامی ساکنین و کاسین قدیمی محله است. این مورد ضمن تأکید بر پیشینه و اصالت محله، برای ساکنین جدید آن، گویی رفتاری غریبی و ناخودآگاه، جهت اثبات اصالت وجودی خویش با تاریخ محله دارد. (نگارندگان)

در جداره و فضاهاى درون محله با اقتباس از عناصر مذهبی تاریخی منطبق بر فرهنگ ایرانی-اسلامی، تغییر نام معابر و کوچه‌ها با الهام از عناصر مذهبی تاریخی و تقویت حس هویت محلی، مرمت و بازسازی ابنیه مذهبی تاریخی به جهت امکان بازدید و جلوه بصری مناسب بیرونی، معرفی هرچه بیشتر محله سرپوله در صدا و سیما، جرائد و رسانه‌های استانی، خلق ارتباط منسجم عناصر مذهبی تاریخی شاخص درون محله از طریق ایجاد شبکه پیوسته فضایی پیاده مدار، کاهش نفوذپذیری هدفمند ورودی‌های محله به جهت تقویت درونگرایی بافت و حس غریب‌گز بودن می‌باشد. براین اساس بیشترین تأکید بر اتصال کوچه مشیر و یمین لشکر است. معابری که به عنوان هویت تاریخی مذهبی محله با دارا بودن عناصر کالبدی متعدد و کیفیات فضایی چون محصوریت، انعطاف پذیری، وجود کاربری‌های تجاری در مسیر، تردد زیاد پیاده نسبت دیگر معابر محله و ... پتانسیل بالایی جهت ارتقای معاشرت ساکنین و بازدیدکنندگان از سطح محله دارد.



خانه آصف دیوان (خانه کرد و موزه مردم‌شناسی)

آستان مقدس امامزاده بی‌بی هاجر خاتون

شکل ۸. نمونه‌ای از مکان‌های انسجام بخش در اذهان ساکنین محله سرپوله، (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه محله، مجموعه‌ای است منسجم از کالبد و روابط غیرکالبدی، مطالعه ادبیات پژوهش نشان داد که می‌توان غیرکالبد را در سه مؤلفه کرامت، فضیلت و مشارکت

و تحت عنوان انسجام اجتماعی فی‌مابین روابط همسایگی تبیین نمود. نتایج تحقیق نشان داد که کالبد به‌طور مستقیم در نوع انسجام اجتماعی محلات می‌تواند اثرگذار باشد. یافته‌ها نشان داد که اعتقاد دینی در بین ساکنین محله ساری بوده و در مؤلفه کرامت، گذشت نسبت به همسایگان و سازش مهم‌ترین سنجه است. همچنین سنجه حمایت معنوی و حضور در رویدادهای درون محله، مراسمات و برنامه‌های همسایگان در مؤلفه فضیلت، بیشترین اهمیت را دارد. در این میان مؤلفه مشارکت، کمترین تأثیرگذاری را در سطح محله دارد.

نتایج همچنین نشان می‌دهد که وجود ابنیه مذهبی / تاریخی نقش بسزایی در انسجام فرهنگ مذاهب مختلف اسلامی و سایر ادیان در سطح روابط همسایگی داشته است. پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های مشابهی بر اساس چارچوب نظری پژوهش حاضر، در سایر شهرها، محلات با فرهنگ‌های غالب دیگری، انجام گیرد تا مدل مربوطه به‌صورت کامل‌تری تدقیق گردد.

تعارض منافع

پژوهش حاضر، ذکر تعارض منافع ندارد.

سپاسگزاری

نگارندگان مقاله، از ریاست محترم دانشگاه هنر اسلامی تبریز، جناب آقای دکتر محمدعلی کی‌نژاد، ریاست محترم دانشکده معماری و شهرسازی و تمامی اساتید گروه شهرسازی این دانشگاه، به‌پاس حمایت‌های معنوی از پژوهش حاضر، کمال تشکر و امتنان را دارند.

ORCID

Kasra Ketabollahi



<https://orcid.org/0000-0002-9234-6708>

Ahad Nejad Ebrahimi



<https://orcid.org/0000-0001-6025-1942>

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابراهیمی، کلثوم. (۱۳۹۱)، اخلاق معاشرت از نظر آیات و روایات، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، حوزه علمی خراسان، مدرسه علمیة زهرا اطهر، مشهد.

انصاری ارجمند، محسن؛ حسینی، سید مصطفی و کاویان‌پور، گلشن. (۱۳۹۵)، «سنجش سرمایه اجتماعی در محلات شهر مشهد، مطالعه موردی: محلات منطقه ۳»، نشریه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: ۷-۳۰.

بحری‌مقدم، عباس و یوسفی‌فر، شهرام. (۱۳۹۲)، «عوامل اجتماعی- فرهنگی در شکل‌گیری محله در شهر ایرانی اسلامی و کارکردهای آن»، نشریه تاریخ و تمدن اسلامی، سال نهم، شماره ۱۷: ۱۰۱-۱۱۶.

بهزادپور، محمد؛ کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل و منتظر، بهناز. (۱۳۹۸)، «مطالعه تطبیقی مؤلفه‌های کالبدی پایداری اجتماعی در محلات قدیم و جدید شهری، مطالعه موردی شهر قدیم و جدید هشتگرد»، نشریه معماری و شهرسازی پایدار، سال هفتم، شماره اول: ۱۷۷-۱۹۶.

بهزادفر، مصطفی؛ غفاری، علی؛ وریج کاظمی، عباس. دوستی، فاطمه. (۱۳۹۷)، «تولید فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر در محله؛ بافت میانی شهر تهران»، نشریه صفا: ۶۹-۸۰.

تمیمی درآمدی، عبدالواحد بن محمد غرر. (۱۳۶۸)، الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶)، اسلام و محیط زیست، قم: انتشارات اسراء، چاپ دوم.

حبیبی، سید محسن و مسائلی، صدیقه. (۱۳۷۸)، سرائه کاربری‌های اراضی شهری، تهران: انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، چاپ اول.

حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۲)، «چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوانبندی محله»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۳: ۳۲-۳۹.

حرّ عاملی، محمد بن الحسن. (۱۳۶۷)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت (ع) جلد اول.

خزایی، حسین. (۱۳۸۷)، «هویت و فرهنگ در عرصه فرهنگی ایران»، نشریه تاریخ و فرهنگ تمدن، شماره ۷۰: ۲۵-۳۸.

دانش پژوه، منوچهر. (۱۳۸۱)، «فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در فرهنگ جهان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۴: ۶۷-۷۸.

رسا، امید و فراهانی، محمد. (۱۳۹۹)، «تبیین علل تفاوت سبک زندگی اسلامی با سایر سبک‌های زندگی از دیدگاه قرآن کریم»، نشریه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۱، پیاپی ۵: ۱۷۹-۲۱۰.

رئسی، منان. (۱۳۹۹)، «تحلیلی میان‌رشته‌ای بر تعارضات معماری مسکن آپارتمانی با سبک زندگی اسلامی با استناد به آموزه‌های نقلی اسلام»، نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۸: ۳-۲۰.

زیاری، کرامت‌الله و طیبیان، بهار. (۱۳۹۵)، «محلات همزیست، معرفی الگویی از اجتماع محلی پایدار»، نشریه معماری و شهرسازی پایدار، سال چهارم، شماره اول: ۳۱-۴۲.

شاهپوندی، احمد و طالبی، افسانه. (۱۳۹۶)، «تحلیل عوامل هویت‌بخش در محلات قدیم شهری با نشانه‌های مذهبی، مطالعه موردی محله شاهزاده ابراهیم اصفهان»، نشریه مرمت و معماری ایران، سال هفتم، شماره سیزدهم: ۱-۱۸.

صدیق، محمد؛ لطفی، صدیقه و قدمی، مصطفی. (۱۳۹۷)، «مطالعه نقش عوامل محیط انسان‌ساخت در فعالیت پیاده‌روی افراد در محلات مسکونی، مطالعه موردی منطقه ۷ کلانشهر تهران، نشریه شهر پایدار، دوره ۱، شماره ۲: ۶۵-۷۸.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۷)، تفسیر المیزان، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، جلد ۲، چاپ اول.

عبدالله‌زاده، مهسا؛ ارژمند، محمود و امین‌پور، احمد. (۱۳۹۶)، «ابعاد پایداری اجتماعی در کالبد محله‌های سنتی ایران، نمونه موردی: محله سنگ سیاه شیراز»، نشریه آرمانشهر، شماره ۱۹: ۳۵-۵۴.

عبداللهی، مجید؛ صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله. (۱۳۸۹)، «بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران»، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲: ۸۳-۱۰۲.

- عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۵)، «محلۀ مسکونی پایدار، نمونه موردی نارمک»، نشریۀ هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۲۷: ۳۵-۴۶.
- غروی الخوانساری، مریم. (۱۳۹۶)، «از محلۀ سنتی تا محلۀ معاصر؛ کندوکاوی در راهکارهای احیاء هویت محلی در شهر امروز»، نشریۀ آرمانشهر، شماره ۲۱: ۶۱-۷۶.
- غفاریان بهرمان، محمد؛ پریزادی، طاهر؛ شماعی، علی؛ خطیبی زاده، محمدرضا و شهسوار، امین. (۱۳۹۵)، «تحلیل فضایی زیست‌پذیری محلات شهری، مورد مطالعه: منطقه ۱۸ تهران»، نشریۀ پژوهش‌های محیط‌زیست، سال ۷، شماره: ۴۵-۵۸.
- فیضی، زهرا؛ امیدبخش، معصومه؛ خسروی مراد، لیلا و صابر فرزام، حمید. (۱۳۹۹)، «شاخص‌ها و مؤلفه‌های کاربردی سبک زندگی اسلامی در تبلیغات محیطی»، نشریۀ سبک زندگی، سال ششم، شماره ۱۰: ۲۹-۴۹.
- فیضی، مجتبی. (۱۳۹۲)، «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی»، نشریۀ معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۵: ۲۷-۴۲.
- قاسمی‌راد، مهین و مولایی، فاطمه. (۱۳۹۷)، تأثیر مثبت اندیشی در سبک زندگی اسلامی، نشریۀ دانش‌انتظامی زنجان، سال هشتم، شماره ۲۶: ۱۲۳-۱۴۴.
- قمی، عباس. (۱۳۷۴)، سفینه البحار، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، جلد دوم، چاپ اول.
- کتاب الهی، کسری و مولایی، اصغر. (۱۴۰۰)، تبیین احکام و اخلاق اسلامی در فرآیند تملک اراضی شهر ایرانی - اسلامی، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۶(۱۸)، ۱۳۱-۱۴۴.
- DOI: 164. doi: 10.22054/urdp.2022.60412.1319
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۷)، اصول کافی، قم: انتشارات دارالحدیث، جلد ۴، چاپ اول.
- گل‌محمدی، احمد. (۱۳۸۱)، هویت ملی و جهانی شدن، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- لطفی، صدیقه؛ پریزادی، طاهر و نجاتی، ارغوان. (۱۳۹۷)، «تحلیل فضایی زیست‌پذیری محلات شهری مطالعه موردی منطقه ۱۰ تهران»، نشریۀ برنامه‌ریزی منطقه‌ای جغرافیا، سال هشتم، شماره ۳: ۷-۲۲.
- لطفی، صدیقه؛ کوچک‌زاده، محبوبه؛ خیرخواه، زلیخا و اشنویی، امیر. (۱۳۹۳)، «تحلیل و اولویت‌بندی بررسی کیفیت زندگی محلات شهری، مطالعات موردی شهر جویبار»، نشریۀ مطالعات برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های انسانی، شماره ۲۹: ۱-۱۶.

نقش فرهنگ مذاهب اسلامی...؛ کتاب‌اللهی و نژاد ابراهیمی | ۱۹۱

لطیفی، غلامرضا و قندریان، ایمان. (۱۳۹۵)، امنیت و شهر اسلامی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.

لقمان، مونا؛ سعیده زرآبادی، زهرا سادات و بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۷)، «سنجش و مقایسه سرمایه اجتماعی در گونه‌های متفاوت محلات شهری، نمونه موردی محله سلطان میراحمد و فین کاشان»، نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال هفتم، شماره ۱۳: ۶۱-۸۹. DOI: 10.22084/csr.2019.14664.1384

مجلسی (علامه)، محمد باقر. ۱۳۶۱، بحارالنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار، بیروت: بی‌نا، چاپ اول.

معروفی، حسین و دولابی، پویا. (۱۳۹۹)، «معاصر سازی مفهوم "محله" در شهر ایرانی با نگاه بر مبانی برنامه‌ریزی محله‌مبنا»، نشریه معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۹، دوره ۱۱: ۲۵-۴۰.

معروفی، حسین. (۱۳۹۷)، بازخوانی شهر ایرانی (اسلامی) «بررسی نهادهای نقش آفرین در حاکمیت شهری و بازتاب فضایی آنان در شهرهای دوران صفویه و قاجار»، نشریه معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۵، دوره ۹: ۳۳-۴۵.

Barton, H, (2003), *Shaping Neighborhood: A Guide for Health, Sustainability and Vitality*, London and New York: Spon Press, England.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: کتاب‌اللهی، کسری، نژاد ابراهیمی، احد. (۱۴۰۰). نقش فرهنگ مذاهب اسلامی در انسجام اجتماعی محلات تاریخی با مطالعه موردی محله سرتپوله سنندج، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۱۹(۶)، ۱۶۱-۱۹۱.

DOI: 10.22054/URDP.2022.65268.1401



Urban and Regional Development Planning is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی